

در محضر نور

پیامبراکرم ﷺ

اِنَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُوْمِ؛ فَاِنَّمَا يَسْأَلُ اللهُ تَعَالٰى حَقَّهٗ وَاِنَّ اللهَ تَعَالٰى لَمْ يَمْنَعْ ذَا حَقِّيْ حَقَّهٗ.

از دعای ستم‌دیده بترسید؛ زیرا که او از خداوند عزّ و جلّ حقّ خود را می‌طلبد و خداوند هیچ حقداری را از حقّش محروم نمی‌کند.

میزان الحکمه ج ۵۶۶



خورشید همواره در چشمان مادرانی طلوع می‌کند که به دوردست‌ها خیره شده‌اند و برای فرداها مردان و زنانی می‌پروراندند تا در زمین، این امانت الهی، جانشینی آسمانی باشند.

دامان تربیت مادران، مهد پرورش انسان‌های پاک و خدایی است و ما با نگاهی درس‌آموز از زندگانی این مادران توشه معرفت برمی‌چینیم. یکی از مادران برجسته تاریخ «ام‌البنین، فاطمه کلابیه» است که زندگی او مالا مال از عشق به ولایت و امامت بوده و در تربیت فرزندان دلیر و شجاع و بالادب چون عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام} بسیار موفق بوده است.

- از قبيله خورشيد**

«حزام‌بن خالدبن ربیعۀ‌بن وحیدبن کعب‌بن عامربن کلاب» پدر ام‌البنین است؛ مردی شجاع و دلیر و راستگو که از صفات ویژه او، اکرام به میهمان و منطقی قوی اوست. تاریخ ویژگی‌های این مرد بزرگ را به مناسبت‌های گوناگون چون جریان خواستگاری ام‌البنین و ازدواج حضرت علی ^{علیه‌السلام} ذکر می‌کند.

مادر بزرگوار ام‌البنین، «ثمامه (لیلی) دختر سهیل‌بن عامربن جعفربن کلاب» است که در تربیت فرزندان کوشا بوده و تاریخ از وی چهره درخشانی را به تصویر کشیده است. بینش عمیق، دوستی با فرزندان در کنار وظیفه مهم مادری و چونان معلمی دلسوز، آموختن باورهای اعتقادی و مسائل مربوط به همسرداری و آداب معاشرت با دیگران، از جمله ویژگی‌های خاص این بانو است.

در بسیاری از کتب تاریخی نام یازده‌تن از مادران وی ذکر شده است که همگی از خانواده‌های شریف و اصیل عرب بوده‌اند و به‌واقع مصداق بارز «شجره طیبه» می‌باشند؛ شجره‌ای که اصل آن در زمین است و فرع آن در آسمان‌ها و حاصل و نتیجه این درخت پاک، همانا عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام} و عثمان و لبید شاعر و ابوبراء بن عامر و … بوده‌اند.

پیامبر گرامی ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرمود: ای مردم! برحذر باشید از سبزه‌زاری که بر روی مزبله (منجارب) می‌روید. سؤال شد از حضرت که سبزه‌زاری که بر مزبله بروید، چیست؟

حضرت فرمود: زن زیبارویی که در خانواده پلید و نادرست رشد کرده باشد.^۱ از این روست که علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه‌السلام} آنگاه که قصد ازدواج دارد، به برادر خویش، عقیل‌بن ابی‌طالب که در علم «انساب» معروف بود و ذهن و سینه‌اش، گنجینه‌های از اسرار خاندان گوناگون عرب بوده، می‌فرماید:

«زنی را برای من اختیار کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد تا با او ازدواج کنم و او برایم پُری شجاع و سوارکار به دنیا آورد.»^۲

و عقیل در پاسخ برادر گفت:

«با ام‌البنین کلابیه ازدواج کن؛ زیرا در عرب شجاع‌تر از پدران و خاندان وی نیست.»

و سپس در مورد جد مادری ام‌البنین، ابوبراء عامربن مالک که در آن روز از جهت دل‌آوری و شجاعت کم‌نظیر بود، می‌گوید:

«ابوبراء عامربن مالک جد دوم فاطمه کلابیه از شجاعت در میان قبایل عرب بی‌نظیر است و کسی را شجاع‌تر از او جز حضرتت نمی‌شناسم؛ از این‌رو او را بازی‌کننده با شمشیرها؛ ملاعب الالسنه می‌نامند.»^۳

گویى نگاه نافذ علی ^{علیه‌السلام} از مرز زمان‌ها عبور کرده و کربلا را با همه سختی‌هایش می‌بیند و برای یاری حسین ^{علیه‌السلام} از امروز در پی مادری شجاع از خاندان شجاع و دلیر است تا فرزندی چونان عباس، پدر فضیلت‌ها، به دنیا آورد و او یاری‌گر حسین ^{علیه‌السلام} در کربلا باشد.

در خاندان و تبار پاک ام‌البنین ^{علیه‌السلام} چند ویژگی مهم وجود دارد که همگی در وجود عباس ^{علیه‌السلام} به ظهور رسید و او را مانا کرد.

الف: شجاعت و دل‌آوری که در کربلا زیباترین چهره خویش را نمایاند.

ب: ادب و متانت و عزت نفس که در زندگانی ۳۴ ساله عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام} به‌وضوح دیده می‌شود.

ج: هنر و ادبیات که ام‌البنین از «دایی» خویش، لبید شاعر به ارث برده بود و فرزند عزیزش عباس ^{علیه‌السلام} از مادر ادیبه خود. [البته شاعران دیگری در این خاندان می‌زیسته‌اند.]

د: ابتازگري و احترام به حقوق دیگران که نمود آن، در عشق به ولایت و امامت متجلی شد.

ه: وفا و پایبندی به تعهدات.

مهمترین درسی که از ازدواج حضرت علی ^{علیه‌السلام} و ام‌البنین می‌آموزیم، داشتن

معیارهای منطقی و صحیح در انتخاب همسر آینده است.

اگر جوانان ما معیارهای اخلاقی و معنوی را جای‌گزین معیارهای مادی و ظاهری کنند، زندگی مشترک آنها با سعادت و سلامت خانوادگی توأم خواهد بود. ملاک‌های مادی و صوری ناپایدار بوده و به زندگی رنگ سبز عشق و محبت نمی‌بخشد و با از دست دادن یک امتیاز مادی، پایه‌های زندگی‌ای که با آنها بنا شده است، سست شده و فرو ریختن سقف خانواده حتمی خواهد بود.

● **سخن بزرگان**

آیت‌الله جوادی ^{مدظله‌العالی}

دعای مظلوم دل‌شکسته، از دعاهای مستجاب است؛ لذا هنگام بی‌پناهی و دل‌شکستگی برای خود و دیگران دعا کنید و بدانید بهترین دعا آن است که از قلب خود انسان برخیزد.

- بینش و بینایی**

افق فکری و نگرش ام‌البنین آنقدر بالا و والاست که فرزندانی چون عباس را که خود یگانه دهر بود، قربانی آرمان‌ها و اندیشه‌های آسمانی امام و مولای خویش، حسین ^{علیه‌السلام} می‌کند و اگر آه و سوزی برای مظلومیت می‌کشد، آهی است بر مظلومیت حسین ^{علیه‌السلام}.

علامه مامقانی در کتاب تنقیح‌المقال می‌نویسد:

«عاقه و ارادت او [ام‌البنین] به حسین ^{علیه‌السلام} به‌علت امر امامت بود و اینکه به‌فرض سلامت حسین ^{علیه‌السلام} مرگ چهار فرزند پرموندش را بر خود آسان و قابل تحمل می‌دانست، نشانه بالا بودن درجه ایمان اوست و من او را از نیکان به حساب می‌آورم.»^۱

تبلور این عشق به ولایت و پیروی از امام و پیشوا تا مرز از دست دادن جان خود و عزیزان در وجود فرزندان پرموند و دلیر این بانوی ولایی بود؛ به‌ویژه عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام} که فرزند بزرگ او بوده و بیشتر صفات مادر را داراست.

- برکرانه‌وفا**

فاطمه کلابیه بنا به‌نقل تاریخ، دومین یا سومین همسر علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه‌السلام} بوده است. آنچه در زندگی مشترک این دو بزرگوار مطرح است، حس وفاداری به یکدیگر و احترام متقابل می‌باشد.

وقتی عقیل به خواستگاری ام‌البنین برای مولایش علی‌بن ابی‌طالب آمد، با حزام‌بن خالد، پدر او، در این باره صحبت کرد و «حزام» با کمال صداقت و راستگویی گفت: «شایسته امیرالمؤمنین ^{علیه‌السلام} یک زن یاد‌نشین با فرهنگ ابتدایی یاد‌نشینان نیست. او با یک زن که فرهنگ بالاتری دارد، باید ازدواج کند و این دو فرهنگ با هم فرق دارند.»

عقیل پس از شنیدن سخنان وی گفت:

«امیرالمؤمنین ^{علیه‌السلام} از آنچه تو می‌گویی، خبر دارد و با این اوصاف، میل به ازدواج با او دارد.»

پدر ام‌البنین ^{علیه‌السلام} از عقیل مهلت خواست تا از مادر دختر، ثمامه بنت سهیل و خود دختر سؤال کند و به او گفت: «زنان بیشتر از روحیات و حالات دختران‌شان آگاه هستند و مصلحت آنها را بیشتر می‌دانند.»

وقتی پدر ام‌البنین به نزد همسر و دخترش برگشت و دید همسرش موهای ام‌البنین را نشانه می‌زند و او از خوابی که شب گذشته دیده بود، برای مادر سخن می‌گفت:

«مادر خواب دیدم که در باغ سرسبز و پردرختی نشسته‌ام. نه‌های روان و میوه‌های فراوان در آنجا وجود داشت. ماه و ستارگان می‌درخشیدند و من به آنها چشم دوخته بودم و درباره عظمت آفرینش و مخلوقات خدا فکر می‌کردم؛ در مورد آسمان که بدون ستون بالا قرار گرفته است و همچنین روشنی ماه و ستارگان… در این افکار غرق بودم که ماه از آسمان فرود آمد و در دامن من قرار گرفت و نوری از آن ساطع می‌شد که چشم‌ها را خیره می‌کرد. در حال تعجب و تحیر بودم که سه ستاره نورانی دیگر هم در دامنم دیدم. نور آنها نیز ما مهیوت کرده بود. هنوز در حیرت و تعجب بودم که هائقی ندا داد و مرا با اسم خطاب کرد. من صدایش را می‌شنیدم؛ ولی او را نمی‌دیدم. او گفت:

«فاطمه مزده باد تو را به سیادت و نورانیت!! به ماه نورانی و سه ستاره درخشان[که] پادشاهن سید و سرور همه انسان‌هاست بعد از پیامبر گرامی و این گونه در خبر آمده است. پس از خواب بیدار شدم؛ درحالی‌که می‌ترسیدم. مادر! تأویل رؤیای من چیست؟» مادر به دخترک فهیمه و عاقله خود گفت:

«دخترم رؤیای تو صادق‌ه است! ای دخترکم! به‌زودی تو با مرد جلیل‌القدری که مجد و عظمت فراوانی دارد، ازدواج می‌کنی؛ مردی که مورد اطاعت امت خود است. از او صاحب ۴ فرزند می‌شوی که اولین آنها مثل ماه چهره‌اش درخشان است و سه تای دیگر چونان ستارگانند.»

پس از صحبت‌های دوستانه و صمیمانه مادر و دختر، حزام‌بن خالد وارد اتاق شد و از آنها در مورد پذیرش علی ^{علیه‌السلام} سؤال کرد و گفت:

آیا دخترمان را شایسته همسری امیرالمؤمنین ^{علیه‌السلام} می‌دانی؟ بدان که خانه او خانه وحی و نبوت و خانه علم و حکمت و آداب است. اگر دخترت را اهل و لایق این خانه می‌دانی – که خادمه این خانه باشد – قبول کنیم و اگر اهلیت در او نمی‌بینی، پس نه؟

همسر او که قلبی مالا مال از عشق به امامت داشت، گفت:

ای حزام! به‌خدا سوگند! من او را خوب تربیت کردم و از خدای متعال و قدیر خواستارم که او واقعاً سعادتمند شود و صلاح باشد برای خدمت به آقا و مولایم امیرالمؤمنین ^{علیه‌السلام}. پس او را به علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه‌السلام}، مولایم، ترویج کن.^۲

اگرچه خواب حجت نیست و جهت امور مهمی مثل ازدواج نمی‌توان تنها به خواب‌ها اکتفا کرد؛ ولی راهنمای خوبی برای رسیدن به مقصود می‌باشد. اگر ببیننده خواب مهذب باشد و طهارت ظاهری و باطنی را حفظ کند و اندیشه‌های شیطانی و خطورات ذهنی پراکنده نداشته باشد، خواب‌های او، دارای تعبیر و تأویل مناسبی خواهد بود. ام‌البنین از شخصیت‌هایی بود که این طهارت را داشته و همواره در رفتار و کردار خویش راه صحیح و مناسب را پیش می‌گرفته است و از این‌رو رؤیای او به این زیبایی لباس واقعیت و حقیقت می‌پوشد و چهار پسر برای سید عالمیان علی ^{علیه‌السلام} می‌آورد که یکی قمر بنی‌هاشم ^{علیه‌السلام} می‌شود و آن دیگران نیز، ستارگان آسمان ولایت و امامت هستند. این‌گونه ازدواج آسمانی این دو بزرگوار صورت می‌گیرد و در طول زندگی مشترک، همواره اطاعت و احترام و تکریم و ملاحظت در مورد فرزندان علی ^{علیه‌السلام} از سوی ام‌البنین مشهود بوده است.

در هنگام شهادت مولا علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه‌السلام} فرزند بزرگ ام‌البنین، عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام}، کمتر از ۱۵ سال سن داشت و همراه با برادرانش که کوچکتر از وی بودند، در دوران کودکی، پدر بزرگوار خویش را از دست داده و غبار یتیمی بر سیمای‌شان نشسته بود.

این زن فداکار و ابتازگر، جوانی و نیروی خویش را صرف تربیت و حفظ فرزندان خانه ولایت نموده و چونان گذشته، خود را وقف فرزندان فاطمه زهرا ^{علیه‌السلام} نیز می‌کرد و به‌سان مادری مهربان و دلسوز در خدمت آنها بود.

وفاداری ام‌البنین ^{علیه‌السلام} به همسر بزرگوار خویش به‌حدی است که پس از شهادت حضرت علی ^{علیه‌السلام} با آنکه جوان بوده و از زیبایی ویژه نیز برخوردار می‌باشد تا پایان عمر ازدواج نکرده و همسر دیگری را اختیار نمی‌کند. این همسر شهید ابتازگونه به تربیت فرزندان علی ^{علیه‌السلام} مشغول بوده و بذر عشق و محبت و ابتار در وجود آنها می‌افشاند.

- نگرش سیاسی**

از ویژگی‌های بسیار مهم حضرت ام‌البنین ^{علیه‌السلام} توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا از مرثیه‌خوانی و نوحه‌سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلانیان را به گوش نسل‌های آینده برساند.

ام‌البنین برای عزاداری هر روز به‌همراه عبدالله فرزند حضرت عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام} به بقیع می‌رفت و نوحه می‌خواند و گریه می‌کرد و این اشعار را می‌خواند:

اف‌و‌ج‌ز‌ه

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۸۱
- دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲
- ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

O f o g h - e H a w z a h W e e k l y

- صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
- مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضارسنمی
- سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
- تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • تماس: ۳۲۹۰۱۵۲۳
- صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
- نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، بلاک ۱۵
- پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
- پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
- کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

● **عطر یار**

سرّ غیبت

ملا محسن فیض کاشانی

غم زمانه که هیچش گران نمی‌بینم

دواش غیر امام زمان نمی‌بینم

عجب بود که در ایام ما ظهور کند

چرا که طالع خویش آن چنان نمی‌بینم

چرا که مصلحت خود در آن نمی‌بینم

بدین دو دیده حیران من هزار افسوس

که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم

نشان دوستی اهل بیت پرهیز است

در اهل دانش عصر این نشان نمی‌بینم

مهرس فیض ز من سرّ غیبتش که در آن

به هیچ‌جا سخن دل نشان نمی‌بینم

کسی که گوش کند ناله‌ام در این غم کو؟

خמוש که اهل دلی در جهان نمی‌بینم

«یا من رای العباس کر علی جماهیر النقد / ورواه من ابناء حیدر کل

لیث ذی لید»؛^۱ ای آنکه عباس را دیدی درحالی‌که بر گروه ضعیفان حمله می‌کرد و دنبال او از فرزندان حیدر جنگاورانی بودند که هر یک دارای یال و کوبالی بودند.

و آنگاه که در عزای فرزندان شجاع و دلیر خود می‌گریست، می‌گفت:

«دیگر مرا ام‌البنین می‌خوانید؛ زیراکه این نام مرا به یاد شیران بیشه می‌اندازد. من پسرانی داشتم که به‌نام آنها مرا ام‌البنین می‌خواندند؛ اما دیگر فرزند پسری ندارم.»

خواندن اشعار برای عزاداری گاه جنبه‌های دیگری دارد. ام‌البنین با این اشعار هم حماسه کربلا و شجاعت پسران خود و مظلومیت حق را به مردم زمان خود و آیندگان معرفی می‌کرد و هم تاریخ کربلا را واگویه می‌کرد و در قالب عزاداری و مرثیه‌سرایی نوعی اعتراض به حکومت وقت می‌کرد و مردم که اطراف او اجتماع می‌کردند و نسبت به عمل بنی‌امیه متغیر و متزجر می‌شدند.

به‌راستی وقتی قبر مطهر عباس ^{علیه‌السلام} و برادرانش در کربلاست، چرا ام‌البنین به بقیع می‌رود؟ آیا به این نیست که مردم در آنجا اجتماع می‌کنند؟ یا به‌خاطر این نیست که بزرگان اسلام و پیشینه اسلامی مردم، در این خاک خفته‌اند و در آنجا مردم به یاد حماسه‌های جوان‌مردان صدر اسلام می‌افتانند؟

مسئله مهم دیگر اینکه چرا فرزند عباس، عبدالله، را همراه خود می‌برد؟ آیا این عمل برای این نبود که نسل آینده را نسبت به حقایق آگاه و بینا کند؟ آیا این یک تربیت سیاسی نبود؟ آیا او در صدد این نبود که پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و پرچمدار این پیام‌رسانی همانا فرزند علمدار حسین ^{علیه‌السلام}، عبدالله، نباید باشد؟ ام‌البنین، این شجاع‌ترین زن تاریخ کلاب که از پیام‌آوران کربلاست، چونان زنین، دختر علی ^{علیه‌السلام}، رسالتی بر دوش دارد و اکنون به انجام آن رسالت مهم و ویژه همت می‌گمارد. گفتنی است که عبدالله‌بن عباس به‌همراه مادرش لبابه در کربلا حضور داشت و سند زنده ای برای بیان وقایع عاشورا بود.

عروج عرشی

زندگی سراسر مهر و عاطفه و مبارزه ام‌البنین رو به پایان بود. او به‌عنوان همسر شهید، رسالت خویش را به‌خوبی به پایان رسانید و فرزندانی تربیت کرد که فدایی ولایت و امامت بودند و هر ۴ تن در کربلا قربانی آرمان‌های «ولی» و «امام» خویش شدند و بدین‌وسیله بر صحیفه تربیت ام‌البنین، امضای سبز مولای متقیان علی ^{علیه‌السلام} قرار گرفت.

پس از کربلا بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را به دوش گرفت و پیام‌های مهم کربلا را به فرداها صادر کرد و ارزش‌های معنوی این حماسه عرفانی را زنده نگاه داشت.

همسر شهید، مادر چهار شهید و طایه‌دار پیام‌آوران کربلا پس از زینب ^{علیه‌السلام} که لحظه لحظه عمر خویش را با خدای خود معامله کرد و لحظه‌ای خطا و انحراف در زندگی وی راه نیافت، در سال ۷۰ ه‍. ق دار فانی را وداع گفت ۱۴ و در قبرستان بقیع، در کنار سبط رسول خدا، امام حسن ^{علیه‌السلام} و فاطمه بنت‌اسد و دیگر چهره‌های درخشان شریعت محمدی به خاک سپرده شد.

اگرچه جسم او در خاک است؛ اما روح بلند او و صفات کریمه و عظیمه وی، نام او را به بلندای آفتاب زنده نگاه داشته است و در پرتو صفات این بانوی فاضله، انسان‌هایی تربیت شده‌اند که در تاریخ مانا و ماندگار خواهد بود.

- پی‌نوشت‌ها**

- ^۱قمر بنی‌هاشم ^{علیه‌السلام}، عبدالرزاق المقرم، ص۹.
- ^۲همان، ص ۱۰.
- ^۳سوره ابراهیم، آیه ۲۴.
- ^۴وسائل‌الشیعیه، شیخ خر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۹.
- ^۵قمر بنی‌هاشم، مقرم، ص ۱۵.
- ^۶تنقیح‌المقال، علامه مامقانی، ج ۳، ص ۷۰ با ترجمه.
- ^۷وسائل‌الشیعیه، شیخ خر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۹.
- ^۸قمر بنی‌هاشم، مقرم، ص ۱۶.
- ^۹همان، ص ۱۶.
- ^{۱۰}تنقیح‌المقال، ج ۲، ص ۷۰ و منتهی‌الأمال، حاج شیخ عباس قمی، ص ۲۲۶.
- ^{۱۱}تنقیح‌المقال، ج ۲، ص ۷۰.
- ^{۱۲}مولد عباس‌بن علی ^{علیه‌السلام}، محمدعلی الناصری، صص ۳۸ – ۳۶.
- ^{۱۳}رباحین‌الشریعه، ذبیح‌الله محلاتی، ج ۳، ص ۲۹۴ و تنقیح‌المقال، ج ۳، ص ۷۰.
- ^{۱۴}محدثات شیعیه، دکتر شهلا غروی نائینی، ص ۵۳.